



حرکت در مسیر واقعیت نه آرزوها

برنامه هفتم توسعه

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

گزارشی از نشست اهمیت پرداختن به رفع چالش‌های محیط کسب و کار در تنظیم احکام برنامه هفتم توسعه

اشاره:

نشست «اهمیت پرداختن به رفع چالش‌های محیط کسب و کار در تنظیم احکام برنامه هفتم توسعه» از سلسله نشست‌های تخصصی برنامه هفتم توسعه توسط موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی با حضور دکتر صدیف بیک‌زاده - کارشناس امور سیاست‌گذاری -، مهندس علیرضا کلاهی - رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران -، دکتر علی‌مردان شیبانی - عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران - و دکتر فهیمه بهرامی - عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی - برگزار شد.

از مهم‌ترین محورهای این نشست تخصصی می‌توان به مواردی مانند «چالش‌های محیط کسب و کار (موانع تولید) و اثر آنها در ناکامی تحقق اهداف برنامه‌های توسعه» و «رویکرد تسهیل‌گری و بهبود کیفیت قوانین و مقررات در مسیر کارایی محیط کسب و کار» اشاره کرد.

در این نشست، دکتر فهیمه بهرامی - عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی - ابراز داشت: به جای وضع مقررات جدید بهتر است در مورد بازنگری قوانین و مقررات قبلی و فرایندهای جاری اقداماتی صورت گیرد. به گفته وی، مهم‌ترین وظایف بازرگانی داخلی به عنوان بخشی از نظام بازرگانی عبارتند از «تسریع و تسهیل فرایندهای مربوط به آغاز و تداوم فعالیت‌های تولیدی و خدماتی»، «تدوین و اجرای سیاست‌ها»، «بهبود عملکرد و کمک به ارتقای فضای رقابتی در بازار کالا و خدمات»، «رصد و پایش میزان نیاز و راه‌های تأمین کالا و خدمات»، «بررسی و ایجاد هماهنگی‌های لازم در توزیع کالاهای مورد نیاز عمومی»، «بررسی و نظارت موثر در راستای کنترل قیمت»، «نظارت بر توسعه شبکه توزیع کشور»، «مسائل مربوط به اصلاح الگوی مصرف»، «کنترل و کاهش ضایعات در زنجیره تأمین» و کلیه اقداماتی که ضمن حفظ حقوق مالکیت تولیدکنندگان؛ حقوق مصرف‌کنندگان را در حد مطلوب و استاندارد حفظ می‌نماید.

دکتر بهرامی، بخش‌های علمی بازرگانی داخلی در سیه حیطه «کیفیت»، «تأمین و تولید» و «توزیع کالا

و خدمات» تقسیم بندی نمود و گفت: هر فرایندی که بخش تولید را پشتیبانی می‌کند، در بستر بازرگانی داخلی انجام می‌گیرد.

عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تصریح کرد: پس از بررسی ابعاد مرتبط با بازرگانی داخلی در قوانین برنامه توسعه اول تا ششم به این نتیجه رسیدیم که اصلاً به اهمیت موضوع محیط کسب و کار به عنوان یک الزام برای رشد اقتصادی و کاهش فقر نگاه نشده تا برای آن قوانین و مقرراتی متناسب وضع شود حتی اگر هم به صورت موردی به این موضوع پرداخته شده؛ کاملاً به صورت انتزاعی و مستقل بوده است.

وی با عنوان این مطلب که یکی دیگر از ابعاد مهم بازرگانی داخلی و اثرگذار در محیط کسب و کار، فاکتورهای مرتبط با «نظام توزیع» می‌باشد؛ افزود: در آن به صورت پراکنده مواردی برای نگهداری، انبار و حمل و نقل آورده اما به ساختار نظام توزیع و اهمیت آن در بستر اقتصادی کشور نگریسته نشده است در حالی که نظام توزیع از مرحله پیش از تولید تا حلقه مصرف‌کننده نقش ایفا می‌کند و حتی بازخوردهایی که از حلقه مصرف‌کننده در حوزه برندسازی، کنترل ضایعات و بازیافت دریافت می‌کنیم؛ به صورت



مهندس کلاهی - رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران



دکتر شبیانی - عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران



دکتر بیکزاده - کارشناس امور سیاست‌گذاری

وی با ذکر این جمله که تا وقتی ریشه چالش‌های کسب و کار به طور دقیق شناسایی نشوند، نمی‌توان به وضع قوانین و مقررات جدید یا اصلاحات مقررات فعلی پرداخت؛ افزود: آن‌چه در رگولاتوری دنیا مورد بحث قرار می‌گیرد، ارزیابی اثرات مقررات‌گذاری در چارچوب هزینه و منفعت برای کلیه بازیگران (اعم از تولیدکننده و مصرف‌کننده نهایی) است و طی آن اثرات اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. به گفته دکتر بهرامی، اهمیت و توجه به نقش آموزش و فرهنگ‌سازی در کلیه حوزه‌ها به خصوص حقوق مصرف‌کنندگان و استانداردها از موضوعاتی محسوب می‌شوند که در بحث اصناف، تولید و کسب و کارها باید مورد توجه قرار گیرند.

* برنامه هفتم توسعه و رفع ابرچالش‌های اقتصادی کشور

دکتر ضدید بیکزاده - کارشناس امور سیاست‌گذاری - عنوان داشت: پس از سال‌های متمادی که شش برنامه توسعه اجرا شده به نقطه فعلی رسیده‌ایم اما زمانی می‌توان برنامه‌ریزی کرد که عوامل و متغیرهای ماقابل پیش‌بینی باشند در غیر این صورت اهداف توسعه‌ای محقق نخواهد شد اما بسترهای فعلی کشور، زمینه عدم پیش‌بینی در اقتصاد را به وجود آورده‌اند لذا برنامه‌ریزی‌های سالیان گذشته به

ابعاد کلیدی توسعه، فرهنگ‌سازی در حوزه مصرف و کاهش ضایعات و بازیافت آن می‌باشد. دکتر بهرامی سپس به ارائه تعریفی از محیط کسب و کار پرداخت که عبارتست از یک پیوند سیاستی، حقوقی، نهادی و نظارتی در شرایط حاکم بر فعالیت‌های تجاری سازوکارهای سیاستی دولت در ترتیبات نهادی که بر نحوه عملکرد بازیگران کلیدی (صاحبان کسب و کار، انجمن‌ها و نهادهای دولتی) اثر می‌گذارد. بازیگران کلیدی باید در تعامل کامل با همدیگر باشند و قوانین، سیاست‌ها و مقررات به گونه‌ای چیده شود که ضمن حفظ ارتباط میان آنها، تعاملاتشان کاملاً شفاف باشد اما در قوانین برنامه توسعه، ارتباط میان بازیگران مشاهده نمی‌شود. بخش دیگر سخنرانی عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی به بررسی وضع موجود بازرگانی داخلی در ایران از منظر شاخص‌های کسب و کار اختصاص داشت. وی در این زمینه بیان داشت: رتبه راه‌اندازی کسب و کار در ایران از بین ۱۹۰ کشور، ۱۷۸ است و در بخش دریافت مجوزهای مربوط به زیرساخت، رتبه هفتاد و سوم و در بخش دریافت برق، ثبت مالکیت و اخذ اعتبارات رتبه صد و چهارم متعلق به کشور ماست و در شاخص‌هایی مانند «تجارت‌های فرامرزی»، «اجرای قراردادهای»، «حل و فصل ورشکستگی» و «ریسک محیط کسب و کار» رتبه ایران بسیار ضعیف است.

زنجیره‌ای مدنظر قرار ندارد در حالی که از کارکردهای مهم نظام توزیع محسوب می‌شوند. همچنین بحث نظام قیمت‌گذاری در برخی از بندهای برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه (مواد ۳۹ و ۱۰۱) مورد اشاره قرار گرفته که طبق آن دولت باید مداخلات قیمت‌گذاری خود را به کالاهای اساسی محدود کند اما نه تنها کالاهای اساسی بلکه تمام کالاهای تولید داخل باید تحت کنترل دولت قرار دارند و این کنترل‌ها از طریق «تعیین سطح قیمت» یا «تعیین ساختار قیمت» صورت می‌گیرد. نکته جالب این‌که الگو و دستورالعمل قیمت‌گذاری دارای ابعاد مغفول فراوانی به خصوص در زمینه بهره‌وری است و در برنامه ششم توسعه موضوع قیمت‌گذاری به طور کلی رها می‌شود! وی سپس اظهار داشت: وقتی بهبود محیط کسب و کار به‌عنوان الزامی برای رشد اقتصادی و کاهش فقر مدنظر قرار می‌گیرد، الگوی مصرف و الگوی کنترل ضایعات و بازیافت نیز ذیل این موضوع قرار می‌گیرند در این راستا الگوی مصرف نیز در قوانین برنامه توسعه کاملاً انتزاعی، مستقل و رها شده و فقط دولت موظف است الگوی مصرف بهینه را اعلام کند و بر آن نظارت داشته باشد در حالی که هیچ چارچوبی برای تأمین این الگو رعایت نشده است همچنین الگوی برخورد با کنترل بازیافت ضایعات که اصلاً در برنامه‌های توسعه لحاظ نشده در حالی که یکی از



نتیجه خاصی نرسیده‌اند.

وی ادامه داد: راهبرد نادرست فضای کسب و کار نادرست را به وجود آورده است و اقتصاد به سمت جاده سنگلاخ و ناهموار هدایت شد در حالی که امکان انتخاب مسیرهای بهتری وجود داشت.

به گفته دکتر بیگزاده، طی سال‌های گذشته «استقلال» معادل تعارض و تقابل با نظام بین‌الملل لحاظ شده و این نگرش، عدم اطمینان و غیر قابل پیش‌بینی بودن را برای متغیرهای اقتصادی فراهم نموده است.

این کارشناس امور سیاست‌گذاری اذعان داشت: دولت، «عدالت» را برآوردِ حداقل معیشت در نظر گرفته و در این زمینه دو استراتژی مدنظر قرار داده است، این که آیا می‌تواند درآمد جامعه را افزایش دهد؟ یا این که هزینه‌های جامعه را حداقل‌سازی نماید؟ استراتژی نادرستی که تحت عنوان بیماری نزدیک‌بینی اقتصادی از آن یاد می‌شود. دولت به فکر کاهش هزینه‌های خانوار از طریق انحراف در قیمت محصولات افتاده که این امر فضای کسب و کار نامناسبی را در اقتصاد ایجاد کرده است.

وی با بیان این مطلب که نخستین اولویت در برنامه

هفتم توسعه باید رفع ابرچالش‌های اقتصادی کشور باشد، گفت: در شرایط فعلی، رشد اقتصادی بالای دو درصد و تورم زیر ۲۰ درصد امکان‌پذیر نیست چون تشکیل سرمایه طی یک دهه انجام نشده است.

دکتر بیگزاده با اشاره به تورم مزمن ۲۵ درصدی که در دهه ۹۰ تشدید شد، افزود: متوسط تورم از سال ۱۳۶۹ تا اوایل دهه ۹۰ حدود ۱۸/۵ درصد بود، در دهه ۹۰ این رقم به ۲۵ درصد رسید، از سال ۱۳۹۵ به بعد تورم بالای ۴۰ درصد را تجربه کردیم و در حال حرکت به سوی تورم ۵۰ درصدی هستیم؛ در واقع ابرچالشی که راه‌های مقابله با آن در برنامه هفتم توسعه مشخص نیست.

این کارشناس امور سیاست‌گذاری یادآور شد: در حال حاضر با بیکاری فزاینده عوامل تولید و سرمایه و همچنین عدم ایجاد ظرفیت‌های مناسب برای ایجاد اشتغال مواجهیم و سوال اینجاست طی ۱۰ سال که با رشد اقتصادی صفر و گاه منفی روبرو بودیم، چگونه یک میلیون شغل ایجاد شده است؟!

وی با یادآوری این موضوع که علاوه بر مشکلات موجود در نظام‌های بانکی، مالیاتی و ارزی با فروپاشی اکوسیستم و منابع طبیعی تخریب شده مواجهیم؛ به بیان پنج ریسک اقتصاد ایران از نگاه مجمع جهانی اقتصاد پرداخت که عبارتند از «بحران اشتغال و معیشت»، «سرخوردگی جوانان»، «رکود اقتصادی طولانی‌مدت»، «بحران منابع طبیعی»، «از دست دادن تنوع زیست محیطی» و «فروپاشی اکوسیستم».

به اعتقاد دکتر بیگزاده طبق تحقیقات انجام شده، واحدهای تولیدی و صنعتی کشور به طور مستقیم با ۲۱۵ مشکل مواجهند و به همین دلیل از حدود ۷۶ هزار واحد صنعتی، ۱۲ هزار واحد را کد هستند، ۱۵۶۰ واحد نیز تا سال ۱۴۰۰ به دلیل ناتوانی در بازپرداخت تسهیلات بانکی به تملک بانک‌های (اغلب دولتی) کشور درآمده‌اند و ۱۶۵۲۰ هزار واحد زیر ۵۰ درصد ظرفیت اسمی کار می‌کنند. (از این رقم حدود ۵ هزار واحد متعلق به استان‌های تهران و اصفهان است). وی، تعداد کل طرح‌های نیمه تمام صنعتی کشور را نزدیک به ۷۰ هزار طرح برآورد کرد و گفت: حدود ۲ هزار طرح بالای ۸۰ تا صد درصد و ۵۰ هزار طرح

بالای ۶۰ تا ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارند که هیچ دستاوردی برای اقتصاد کشور به همراه نمی‌آورند و به تدریج از حیز انتفاع خارج خواهند شد.

این کارشناس امور سیاست‌گذاری افزود: ۳۴ مورد از مشکلات واحدهای صنعتی، معدنی و حتی کشاورزی به سیستم بانکی ارتباط دارد. از یک سو دولت تصمیم می‌گیرد تسهیلاتی در قالب تبصره ۱۸ ارائه دهد اما از سوی دیگر یک ریال آن به واحدهای تولیدی پرداخت نشده است!

وی در ادامه به بیان چالش‌های تولیدکنندگان در زمینه مسائل مالیاتی، صادرات و واردات، گمرکات، شهرک‌های صنعتی، تأمین اجتماعی، افزایش هزینه‌های برق، گاز، آب، اخذ مجوز و استانداردها، تأمین مواد اولیه، دریافت سوخت مورد نیاز و ... پرداخت و گفت: طبعاً وجود چنین چالش‌هایی، عدم تحقق برنامه‌های توسعه‌ای را به همراه خواهد داشت. دکتر بیگزاده اظهار کرد: نگاهی به پنج برنامه توسعه پیشین نشان می‌دهد که همواره با تورم مزمن فزاینده روبرو بوده‌ایم به طوری که از برنامه چهارم به بعد، رشد اقتصادی روند منفی خود را طی کرده است. همچنین طبق تحقیقات انجام شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد استراتژی‌های برنامه ششم توسعه (شامل سیاست‌های تجاری، فناوریانه، پولی، مالی و صنعتی) ۵۰ درصد عملکرد غیر اثربخش، حدود ۳۰ درصد نسبتاً اثربخش و حدود ۱۰ درصد فاقد اثربخشی بوده است. وی ادامه داد: در تدوین برنامه هفتم توسعه ضمن توجه به تحولات بین‌المللی و جنگ‌های منطقه‌ای، باید طبق واقعیت‌ها حرکت کرد نه بر پایه آمال و آرزوهای سیاست‌گذاران!

*حرکت از صنایع منبع محور به سمت صنایع ساخت محور

مهندس علیرضا کلاهی - رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران - عنوان داشت: پرداختن به مسائلی از قبیل توسعه نامتوازن اقتصاد ایران، نبود فرصت‌های شغلی، پایین بودن ارزش افزوده، محدود شدن صادرات و وابستگی صنایع کشور به نهادهای منبع محور به خصوص انرژی، بیراهه‌ای است که در مورد آن به کرات



صحبت می‌شود.

وی گفت: گویا قرار است به روی صادرات مواد اولیه عوارضی تعیین شود در حالی که دنبال لغو معافیت مالیاتی هستیم تا یک مشوق مضاعف و پرهزینه از سر راه برداریم و شاهد تحقق عدالت در تخصیص منابع کشور باشیم. بنا بر اعلام مهندس کلاهی، منابع طبیعی کشور با ارزش افزوده بسیار پایین به یکسری کالاهای ساده با ارزش افزوده پایین تبدیل و صادر می‌شوند، سپس مصنوعات تولیدی از همان منابع را مجدداً با قیمت‌های بالاتر وارد کشور می‌کنیم! آیا این روند نامی جز «خود استعماری» دارد؟!

اصولاً سیاست‌های صنعتی کشور، پوششی و بی‌هدف بوده است و ناهلان با هدف کسب منابع ارزی وارد فعالیت‌های تولیدی و صنعتی می‌شوند لذا باید مسیری تنظیم گردد که اختیارات و تسهیلات ویژه در اختیار صادرکنندگان واقعی قرار گیرد و همچنین شاهد حرکت از صنایع منیع محور به سمت صنایع ساخت محور، ایجاد ارزش افزوده و سوق دادن صنایع به طرف خلق ارزش باشیم.

* توسعه صنایع کوچک و متوسط؛ رمز توسعه

اقتصادی دنیا

دکتر علیمردان شبیانی - عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران - با طرح این سوال که چند درصد از اهداف برنامه ششم توسعه در کشور اجرا شده که امروز به فکر تدوین برنامه هفتم هستیم؟ بیان داشت: بخش خصوصی، صاحب و مالک واحدهای صنعتی کوچک و متوسط و جزئی از شبکه و زنجیره جهانی هستند که توانایی‌های فناوری، نیروی کار متخصص و مدیریت پیشرفته از مهم‌ترین ویژگی‌های آنها محسوب می‌شود. به اعتقاد وی، توسعه صنایع کوچک و متوسط رمز توسعه اقتصادی دنیاست که با ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تأثیر می‌گذارند. افزایش رقابت جهانی، تقاضای فزاینده برای محصولات متنوع، توجه و اقبال به این صنایع را دو چندان می‌کند.

دکتر شبیانی با اشاره به مطالعات اخیر بانک جهانی گفت: واحدهای کوچک صنعتی در کشورهای در حال توسعه اثرات کاملاً محسوسی بر اشتغال و درآمد ملی دارند بنابراین حرکت در جهت سازمان‌دهی و کمک به واحدهای کوچک و متوسط صنعتی نباید از زاویه ایجاد یک گروه‌بندی رانت طلب دانست.

عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران خاطر نشان کرد: از تحریم‌های داخلی به مراتب بیشتر از تحریم‌های خارجی در هراسیم چون متأسفانه تحریم‌های داخلی همان قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های هیئت حاکمه است که نمی‌توان مقابل آنها ایستاد. چگونه می‌توان در برابر دستور عدم تأمین گاز صنایع در فصل زمستان و عدم تأمین صنایع در فصل تابستان مقاومت کنیم؟ آیا

رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران، یکی از شاخص‌های بسیار تأسف برانگیز را اختلاف قیمت واردات و صادرات در حوزه مواد شیمیایی و پتروشیمی دانست و گفت: بخش خصوصی ایران علی‌رغم توان فعلی مدیریتی، مالی، دانشی و ... نمی‌تواند موتور محرک توسعه صنعتی شود و به نظر می‌رسد از مسیر توسعه صنعتی دولت محور عبور کنیم، مشابه اقدامی که کره جنوبی و مالزی انجام دادند یعنی به جای تمرکز بر مزیت‌های مطلق، صنعت رقابت‌پذیر و توانمند در برخی رشته‌های منتخب صنعتی ایجاد نماییم البته این رشته‌های منتخب در حوزه محصولات نهایی و (C2B (BUSINESS TO CONSUMER نخواهد بود زیرا فناوری، برند ملی و حجم بازار لازم را در اختیار نداریم تا برای مثال در بازار لوازم خانگی یا خودروسازی با امثال کره جنوبی و ترکیه رقابت کنیم بنابراین در حوزه (B2B (BUSINESS TO BUSINESS ارائه کالاهای واسطه‌ای، قطعات و تجهیزات، خدمات فنی و مهندسی و امثالهم تمرکز کنیم.

به گفته مهندس کلاهی، آیا برای پروکراسی کشور هنوز کارآمدی چشمگیری باقی مانده تا بتواند مسیر توسعه صنعتی دولت محور را مدیریت نماید یا ناکارآمدی پروکراسی همچنان دامنگیر بخش خصوصی خواهد ماند و در کمبود برق و گاز و ده‌ها معضل دیگر تداوم پیدا می‌کند؟ وی پیشنهاد کرد بخشی از منابع حاصل از لغو معافیت صادرات مواد اولیه خام برای توسعه یکسری از رشته‌های صنعتی هدایت شود.

رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران اذعان داشت:

مسئولان امر متوجه نیستند قطع برق و گاز چه لطمات جبران‌ناپذیری به تولید و صنعت کشور وارد می‌کند؟ بیشترین نگاه و توجه و حمایت باید از صنایع کشور به عمل آید زیرا موجب ایجاد اشتغال و کاهش بزهکاری‌های اجتماعی می‌شود.

دکتر شبیانی با اشاره به «قانون مالیات بر ارزش افزوده» آن را یکی از مترقی‌ترین قوانین دنیا نام برد و گفت: چه به روز این قانون آمده که بالای جان واحدهای صنعتی کشور شده است!

وی ضمن انتقاد از عدم امکان گشایش اعتبار، مشکلات تأمین مواد اولیه، عطف به ماسبق شدن مقررات، تعطیلات بیش از اندازه (۱۱۰ روز در سال) و بهره بالای بانکی (۲۵ درصد) گفت: چگونه می‌توان از یک واحد صنعتی سودی کسب کرد تا ۲۵ درصد بهره بانکی را تحت پوشش قرار دهد؟! در کدام کشور برای مواد اولیه‌ای که تولید داخل ندارد و نیاز مبرم به واردات آن وجود دارد، تعرفه وضع می‌شود؟!

وی در پایان اعلام کرد: علی‌رغم همه سختی‌ها اطمینان دارم «من اینجا روزی آخر از دل این خاک با دست تهی گل بر می‌افشانم» سروده‌ای از زنده‌یاد فریدون مشیری